

مدیریت یادگیری مشارکتی

کلیدواژه‌ها: یادگیری، یادگیری مشارکتی، تکالیف درسی، روش تدریس

اشاره

این روزها همه ایده «یادگیری مشارکتی» را می‌پسندند. دانش‌آموزانی را تصور کنید که همگی در یک گروه با علاقه و اشتیاق زیاد با هم همکاری می‌کنند. آن‌ها در این فضا، به‌طور هم‌زمان یکی از مهارت‌های مهم زندگی، یعنی «مشارکت و همکاری» را نیز می‌آموزند به‌نظر شما، این نوع یادگیری چگونه صورت می‌گیرد؟ در این مقاله کوشش شده است به این پرسش پاسخ داده شود.

سرآغاز

یادگیری مشارکتی می‌تواند تجربه‌ای بسیار عالی باشد. اغلب دانش‌آموزان عاشق این‌گونه روش‌های یادگیری هستند. حتماً بارها شنیده‌اید که: «وقتی هم‌کلاسی‌ات چیزی را برایت توضیح می‌دهد، یادگیری آن آسان‌تر می‌شود» یا «هم‌گروهی‌هایم از من می‌پرسند آیا درس را فهمیده‌ام یا نه». اما روی دیگر ماجرا حاکی از مسئلهٔ دیگری است. بسیاری از معلمانی که در کلاس خود از این روش استفاده کرده‌اند، خاطرهٔ خوشی از آن ندارند. مثلاً ممکن است یکی از بچه‌های گروه تمام تکالیف خود را به موقع انجام دهد، در حالی که بقیهٔ اعضا در حال حرف زدن با هم باشند. یا مثلاً ممکن است بعضی از اعضای گروه، فردی را که کمی در یادگیری مشکل دارد، مسخره

کنند. گاهی اوقات نیز برخی از دانش‌آموزان یادگیری مشارکتی را نوعی بازی می‌بینند تا نوعی روش یادگیری. به‌همین دلیل است که با وجود تأکیدات صورت گرفته مبنی بر استفاده از این روش یادگیری در کلاس، اکثر معلمان از این روش استفاده نمی‌کنند (Gillies, 2014; Roseth, Johnson, & Johnson, 2008; Slavin, 1995, 2013; Webb, 2008). معمولاً در یادگیری مشارکتی به خود مقوله «یادگیری» پرداخته نمی‌شود، که نباید چنین باشد؛ لذا با به‌کار گرفتن پنج راهبردی که می‌آوریم، معلمان می‌توانند با خیال راحت از این روش یادگیری در کلاس خود استفاده کنند و خاطر جمع باشند که کار گروهی باعث افزایش یادگیری دانش‌آموزان خواهد شد.

۱. تشکیل گروه‌های وابسته به یکدیگر

در یادگیری مشارکتی، گروه‌ها صرفاً به‌منظور انجام دادن یک فعالیت مختصر تشکیل نمی‌شوند. در این نوع یادگیری، دانش‌آموزان مختلف در یک گروه دور هم جمع می‌شوند تا به یکدیگر کمک کنند و با هم باعث موفقیت گروه بشوند. اعضای گروه باید بدانند که می‌توانند در یادگیری درس‌ها از یکدیگر کمک بگیرند.

در انواع روش‌های یادگیری مشارکتی که ما سال‌های زیادی در دانشگاه «جان‌هاپکینز» و نیز در «بنیاد موفقیت برای همه» برای مدرسه‌های دوره‌های ابتدایی و متوسطه برگزار می‌کردیم (اسلاوین ۱۹۹۵)، افراد را به گروه‌های چهار نفره تقسیم می‌کردیم (اگر تعداد نفرات کلاس زوج نبود، بعضی از گروه‌ها پنج نفری می‌شدند). گروه‌های چهار نفری انعطاف‌پذیری بالایی دارند. در آن‌ها می‌توان برخی فعالیت‌ها را به‌صورت دونفره و برخی دیگر را به‌صورت گروهی انجام داد. گروه‌های تشکیل شده به مدت شش تا هشت هفته با هم کار می‌کنند و پس از آن معلم گروه‌های جدیدی تشکیل می‌دهد.

اعضای گروه نزدیک یکدیگر می‌نشینند و برای گروه خود یک نام و برای نشان دادن همکاری و متحد بودن خویش، شعاری را انتخاب می‌کنند.

در دورهٔ متوسطه، اعضای گروه به جست‌وجوی شغل‌های مورد علاقهٔ خود و رشته‌های دانشگاهی وابسته به آن‌ها می‌پردازند. در پایان این تحقیقات، هر گروه یک کنفرانس کلاسی برگزار و در آن تحقیقات خود را ارائه می‌کند و دانشگاه یا دانشکدهٔ خاصی را که دارای آن رشته‌هاست، به دیگران معرفی می‌کند. معمولاً نام گروه کنفرانس‌دهنده، نام همان دانشگاه یا دانشکده‌ای است که کنفرانس دربارهٔ آن است. اگر اعضای گروه، مثلاً نام «دوک» را برای گروه کنفرانس‌دهنده انتخاب کرده باشند (به‌دلیل معروف بودن تیم بسکتبال دانشگاه دوک)، بی‌شک زمانی را نیز صرف کمک کردن به یکدیگر در یادگیری مطالب جدیدی دربارهٔ آن کرده‌اند.

بهتر است گروهی که تشکیل می‌شود، ترکیبی از دانش‌آموزان قوی و ضعیف و نژادهای مختلف باشد. اگر انتخاب کردن اعضای گروه به عهدهٔ خود دانش‌آموزان

باشد، آن تنوعی را که انتظار داریم، در گروه نخواهیم دید. به همین دلیل است که تعیین اعضای گروه باید به عهده معلم باشد.

۲. تعیین اهداف گروه

در بسیاری موارد، در اجرای روش یادگیری مشارکتی، گروه‌هایی تعیین می‌شوند و به اعضای آن‌ها گفته می‌شود که «به همدیگر کمک کنید». کمک کردن به همدیگر کار خوبی است، ولی به‌طور حتم اگر برای اعضای گروه هدفی تعیین شود، آن‌ها بهتر با یکدیگر همکاری خواهند کرد.

به‌واسطه تعیین کردن هدف برای گروه می‌توان فهمید که آیا اعضا تلاش لازم برای رسیدن به هدف مذکور را انجام می‌دهند یا خیر. مثلاً هدف می‌تواند افزایش نمرات تک‌تک اعضای گروه در یک آزمون یا افزایش نمره کل گروه به‌واسطه انجام دادن یک کار گروهی مانند کدگذاری بخشی از یک برنامه رایانه‌ای یا کمک به جمع‌آوری داده‌های یک گزارش آزمایشگاهی باشد.

در هر یک از این موارد، آموزگار نه‌تنها فعالیت گروهی اعضا، بلکه فعالیت تک‌تک آن‌ها را ارزیابی می‌کند. به گروهی که بتواند به‌واسطه کار گروهی نمره خوبی کسب کند، مدرکی داده یا امتیازی برای اعضا در نظر گرفته می‌شود. این کار باعث می‌شود اعضای گروه نتیجه مثبت همکاری میان خود را لمس کنند. گروهی که هدفی برای آن تعیین نشده باشد، مانند تیمی از یک مسابقه ورزشی است که اعضای آن نه می‌دانند چقدر امتیاز گرفته‌اند نه حتی برایشان مهم است که بدانند.

۳. تعیین وظیفه و مسئولیت هر یک از اعضای گروه

در یادگیری مشارکتی تعیین وظیفه اعضای گروه، اصلی است که اکثر اوقات بدان توجه نمی‌شود و زمانی که این اتفاق می‌افتد، قسمت اعظمی از فعالیت یادگیری مشارکتی به درستی انجام نمی‌شود.

مسئولیت‌پذیر بودن اعضای گروه بدین معنی است که یکایک آن‌ها باید برای رسیدن به هدف تعیین‌شده در درس‌ها و مهارت‌های لازم و از پیش تعیین‌شده تبحر و تسلط کافی پیدا کنند. موفقیت گروه منوط به سخت‌کوشی و یادگیری هر عضو گروه است.



یادگیری مشارکتی بخشی از فعالیت‌های کلاسی است نه همه آن

مسئله ارائه دهند، آن دو نفر آن‌ها را وادار به سکوت می‌کردند.

چگونه می‌توان مسئولیت‌پذیر بودن اعضای گروه را تضمین کرد؟ اول باید مطمئن شویم که هدف تعیین شده برای گروه، باعث همکاری تمام اعضای آن با هم خواهد شد. مثلاً اگر هدف گروه کسب ۸۰ درصد نمره یک آزمون باشد، همه اعضا باید برای رسیدن به آن هدف تلاش کنند. یا مثلاً اگر هدف نوشتن گزارشی کامل درباره یک کشور خاص باشد، باید هر یک از بخش‌های گزارش را یکی از اعضای گروه بنویسد. هرگز نباید برای گروه هدفی تعیین کرد که برای رسیدن به آن، تنها فعالیت یکی از اعضا کفایت کند. علاوه بر این، باید هر از گاهی این نکته را به اعضای گروه خاطر نشان کنیم که هدف نهایی از تشکیل گروه، افزایش یادگیری اعضای گروه است. باید برای یکایک آن‌ها توضیح دهیم که چرا مسئولیت‌پذیر بودن هر یک از آن‌ها در گروه بسیار اهمیت دارد؛ اینجاست که آن‌ها می‌فهمند چرا باید پا به پای یکدیگر در گروه کار کنند.

برای پی بردن به میزان اهمیت این مسئله، گروهی را در نظر بگیرید که اعضای آن به یکسان مسئولیت‌پذیر نیستند. برای مثال اعضای یک گروه با هم درس می‌خوانند تا همگی در یک آزمون شرکت کنند، اما در آزمون عده‌ای به عده دیگر کمک می‌رسانند (تقلب). این مسئله دو پیامد ناخوشایند دارد: سوار کاری^۱ رایگان و همه چیز دانی^۲.

در گروه اول (سوارکاران رایگان) اعضای قرار می‌گیرند که به جای یادگیری، بیشتر وقت خود را به صحبت کردن با دیگر اعضای گروه می‌گذرانند. استدلال آن‌ها چنین است که «وقتی دیگر اعضای گروه این کار را انجام می‌دهند، لازم نیست من خودم را به دردرس بیندازم؟». دانش‌آموزانی که مهارت‌های خود را کافی نمی‌دانند، یا خجالتی هستند و تمایلی به انجام دادن کار گروهی ندارند نیز در این گروه قرار می‌گیرند.

در گروه دوم، فرد یا افرادی که خود را عقل کل و همه‌چیزدان می‌دانند، بر دیگر اعضای گروه تسلط می‌یابند و پاسخ‌های درست را به دیگران می‌گویند. من خودم گروهی را دیده‌ام که وقتی می‌خواستند یک مسئله سخت ریاضی را با هم حل کنند، دو نفر فعال‌تر از بقیه بودند و لذا هنگامی که دیگر اعضای گروه سعی می‌کردند راه‌حلی برای

جایگزین کردن یادگیری مشارکتی به جای تکالیف فردی، مهارت‌های اجتماعی دانش‌آموزان را رشد می‌دهد

در طول درس، از عبارات و جملات دوستانه‌ای استفاده کنید که اهمیت مسئولیت‌پذیر بودن اعضای گروه را به آن‌ها تأکید کند. برای مثال، آن دسته از معلمانی که در برنامه‌های «موفقیت برای همه» با ما همکاری می‌کردند، غالباً از روشی به نام «گزارشگر تصادفی»^۴ استفاده می‌کردند. در این روش، به هر یک از اعضای گروه یک شماره بین ۱ تا ۵ تعلق می‌گیرد و هنگامی که سؤالی مطرح می‌شود، آموزگار به‌طور تصادفی یکی از آن‌ها را صدا می‌زند. دانش‌آموزی که آن شماره به وی تعلق دارد، باید به جای کل گروه به سؤال مطرح شده پاسخ دهد. براساس پاسخ وی به کل اعضای گروه نمره داده می‌شود.

روش‌هایی مانند گزارشگر تصادفی بر این موضوع تأکید دارند که تمام اعضای گروه باید در فرایند یادگیری شرکت کنند و با همکاری یکدیگر درس‌ها را به خوبی یاد بگیرند. با استفاده از این روش، دانش‌آموزانی که یادگیری را به عهده دیگر اعضای گروه می‌گذارند، خواهند فهمید که نمی‌توان همه مسئولیت را بر دوش دیگران گذاشت و تک‌تک اعضای گروه مسئول یادگیری

یکدیگر هستند. از طرف دیگر، افرادی که خود را در گروه عقل کل می‌دانند نیز متوجه خواهند شد که اگر با اعضای گروه همکاری نکنند و نقاط ضعف آن‌ها را برطرف نکنند، احتمال موفقیت گروه کاهش پیدا خواهد کرد. یک معلم ریاضی دوره راهنمایی تحصیلی می‌گوید: «دانش‌آموزان می‌دانند که باید مسائل ریاضی را با هم حل کنند و هر یک از اعضای گروه باید آمادگی توضیح دادن روش حل آن مسائل را داشته باشد و اگر این آمادگی نباشد، گروه به دردمس می‌افتد».

در آخر اینکه، معلم باید کار گروه را چالش‌انگیز کند و در صورتی که اعضای گروه در حل یک مسئله یا پیدا کردن پاسخ یک سؤال با مشکل مواجه شدند، زود به کمک آن‌ها نرود و بگذارد آن‌ها تلاش خود را بکنند. اگر وی خیلی زود مسائلی را که اعضای گروه با آن‌ها مشکل دارند، حل کند، نه تنها روحیه اتحاد گروه را متزلزل می‌کند، بلکه به صورت غیرمستقیم به آن‌ها می‌گوید که حتی اگر تظاهر کنند که نمی‌توانند آن مسائل را حل کنند، وی سریعاً دست به کار خواهد شد و مشکل را برطرف خواهد کرد. اگر به جای این کار دانش‌آموزان یاد بگیرند که باید برای حل مسائل تمام تلاش خود را بکنند، به توانایی و قابلیت خود در یادگیری و حل مسائل بیشتر ایمان می‌آورند و متوجه خواهند شد که کمک گرفتن - و نه صرفاً به دنبال پاسخ درست بودن - در یادگیری آن‌ها بسیار مؤثر است. این کار که به اعضای گروه اجازه بدهیم هر یک به نحو مؤثری مشغول فعالیت

باشد، باعث می‌شود هر یک از آن‌ها روی نظر یا راه‌حل خود تأمل و آن را با راه‌حل دیگر اعضای گروه مقایسه کند، اصلاحات لازم را در آن ایجاد و سپس آن را در گروه مطرح کند.

۴. یاد دادن نحوه تعامل و مهارت‌های حل مسئله

صرف فراهم آوردن شرایط برای یادگیری مشارکتی کافی نیست. اعضای گروه باید یاد بگیرند چگونه می‌توان از این فرصت و شرایط بهترین استفاده را کرد؛ این بدین معنی است که آن‌ها باید مهارت‌های تعامل با یکدیگر را بیاموزند. این مهارت‌ها عبارت‌اند از: ● **گوش دادن فعال**^۵: مهارت گوش دادن فعال نه تنها در کار گروهی، بلکه در زندگی روزمره نیز بسیار مهم است. دانش‌آموزانی که خوب به درس گوش می‌دهند، چشمان خود را روی چهره معلم متمرکز می‌کنند و هر از گاهی با حرکت سر نشان می‌دهند که موضوع مورد بحث را فهمیده‌اند. شنوندگان فعال از قطع کردن صحبت گوینده اجتناب می‌کنند، ولی با این حال، هر از گاهی آنچه را شنیده‌اند، برای خود خلاصه و در صورت نیاز سؤالاتی برای روشن‌تر شدن موضوع مطرح می‌کنند. در این روش، احترام گذاشتن به گوینده آموزش داده می‌شود و برعکس نیز باعث می‌شود شنونده تا حد امکان از صحبت‌های گوینده بهره‌بردار.

● **توضیح دادن عقاید و نظرات**: اعضای گروه در برقراری ارتباط و متقاعد کردن یکدیگر در تعاملات مشارکتی خود به این مهارت نیاز دارند. توضیح دادن چیزی بیشتر از ارائه پاسخ‌های تک‌کلمه‌ای است؛ دانش‌آموزان باید بتوانند دلایل خود را مشخص و راجع به آن‌ها صحبت کنند. آن‌ها باید بتوانند نظرات و عقاید خود را برای اعضای گروه طوری توضیح دهند که آن‌ها منظورشان را به خوبی درک کنند. کسب این مهارت نیازمند فراشناخت^۶، تفکر روشن و شفاف^۷، توانایی خلاصه کردن، توانایی بازگویی مطالب و با دقت گوش دادن به حرف‌های دیگران است.

● **تشویق هم‌گروهی‌ها**: اعضای یک گروه خوب می‌دانند که چگونه باید هم‌گروهی‌های خود را تشویق و حمایت کنند، و به درستی با نظرات هم‌مخالف و در عین حال جوی مثبت در گروه ایجاد کنند. شما در مقام یک معلم، باید به اعضای گروه بگویید که از آن‌ها



انتظار دارید همه به‌طور جدی و فعال در انجام تکالیف با یکدیگر همکاری کنند. باید به آن‌ها یاد بدهید این کار را چگونه انجام دهند.

● توانایی توضیح دادن عقاید و نظرات خود: ابراز عقیده خود، درحالی‌که به دیگران نیز حق اظهار نظر می‌دهیم، مهارت پیچیده‌ای است که خود برآیند احترام گذاشتن افراد به یکدیگر است. باید اعضای گروه را به‌گونه‌ای راهنمایی کنید که متوجه شوند هر کدام در کار گروهی خود حق اظهار نظر دارند و دیگران باید با رعایت احترام به نظرات آن‌ها گوش دهند و به آن‌ها بازخورد بدهند و حتی بگویند که مطلبی را نفهمیده‌اند. زمانی که دانش‌آموزان بتوانند چنین رابطه‌ای را میان خود ایجاد کنند، می‌توانند با یکدیگر برای گروه خود هدف تعیین کنند، بر میزان پیشرفت گروه نظارت و مسائل را با یکدیگر حل کنند.

● انجام دادن تکالیف در حد عالی: انتظار می‌رود که اعضای گروه تکالیف محول شده را به‌خوبی و با کیفیت بالا انجام دهند. به‌طوری که در پایان کار گروهی، همه اعضا، مطالب مطرح شده را به خوبی یاد گرفته باشند. هنگامی که دانش‌آموزان بفهمند چگونه باید به آن کیفیت بالا دست یابند، می‌توانند به خود افتخار کنند.

۵. ترکیب یادگیری مشارکتی با روش‌های دیگر

باید بگوییم یادگیری مشارکتی بخشی از فعالیت‌های هر کلاس درس است نه تمام آن. در کلاس درس استاندارد، معلم باید در کنار ارائه درس از رایانه و دیگر رسانه‌ها نیز بهره‌برد. همچنین دانش‌آموزان را به‌صورت فردی ارزیابی و از فعالیت‌هایی مثل یادگیری مشارکتی نیز استفاده کند، اما نباید کل فعالیت‌های کلاس به آن محدود شود.

بهترین راه برای استفاده از یادگیری مشارکتی، از میان برداشتن تکالیف فردی در کلاس است؛ یعنی همان تکالیفی که قبل و بعد از درس به دانش‌آموزان داده می‌شوند. انجام تکالیف فردی برای بیشتر دانش‌آموزان خسته‌کننده و بی‌فایده است، مخصوصاً اگر در انجام آن‌ها با مشکل مواجه شوند. یادگیری مشارکتی باعث می‌شود انجام تکالیف برای دانش‌آموزان خسته‌کننده نباشد و آن‌ها بتوانند در کنار انجام تکالیف خود، مهارت‌های

اجتماعی و مشارکتی را نیز فرا بگیرند. گاهی اوقات ممکن است فعالیت‌های گروهی قبل از تدریس صورت گیرد. اما زمان‌هایی نیز هست که معلم ابتدا باید اهداف اصلی و پارامترها و راهنمایی‌های لازم برای به انجام رساندن آن کار گروهی را برای آن‌ها توضیح دهد.

نظاره یک تحول

من یک بار ناظر کلاسی در پایه نهم بودم که سطح مطالب خواندنی که به آن‌ها داده می‌شد به‌طور قابل توجهی پایین‌تر از سطح کلاس بود. معلم آن‌ها بسیار تلاش می‌کرد که در کلاس از روش یادگیری مشارکتی استفاده کند. وی از دانش‌آموزان می‌خواست متن‌های سخت و پیچیده‌ای را بخوانند و در گروه راجع به آن‌ها بحث کنند و در نهایت خود را برای بحث‌های کلاسی آماده کنند. با این حال، پیشرفتی در میزان یادگیری دانش‌آموزان دیده نمی‌شد. وقتی معلم به دنبال علتی برای این موضوع گشت، متوجه شد، با اینکه اعضای گروه زیاد با هم صحبت می‌کنند اما حس همکاری و کمک به یکدیگر در میان آن‌ها دیده نمی‌شود.

اولین کار وی این بود که هر یک از اعضای گروه را متوجه مسئولیت خود کند، سپس اصول یادگیری مشارکتی را برای آن‌ها توضیح دهد. در ادامه معلم و دانش‌آموزان نحوه همکاری در گروه و بازخورد دادن به یکدیگر را تمرین کردند. در مرحله بعد، معلم سعی کرد تکالیفی به بچه‌ها بدهد که جالب‌تر و چالش‌انگیزتر و بیشتر با موضوع درس مرتبط باشند. وی از دانش‌آموزان خواست مقالات متعددی را در موضوع «احساسات» بخوانند، آن‌ها را با هم مقایسه کنند و با همکاری یکدیگر به سؤالاتی که برای پاسخ دادن به آن‌ها، به حفظ کردن صرف مطالب نیاز نبود، پاسخ دهند. برای پاسخ دادن به آن سؤالات، تک‌تک اعضای گروه باید در مورد هدف نویسنده مقاله فرضیه‌سازی می‌کردند و فرضیه‌های خود را با نشان دادن مطالبی از داخل متن مستند می‌کردند.

طی چند روز، هنگامی که دانش‌آموزان متوجه شدند قرار نیست معلم به‌خاطر رعایت زمان‌بندی کلاس، از تکالیف سرسری بگذرد، به سراغ آن مقالات رفتند

و بحث و گفت‌وگو میان آن‌ها رونق گرفت. یادگیری مشارکتی سازمان‌یافته و به رسمیت شناختن فعالیت گروهی استاندارد، باعث تغییر سطح آن کلاس از مقدماتی به پیشرفته شد. وقتی از یکی از دانش‌آموزان خواسته شد تغییر و تحول صورت گرفته در کلاس را توضیح دهد، وی این‌طور گفت: «وقتی با هم گروهی‌هایمان کار می‌کنیم و فکرمان را روی هم می‌گذاریم، می‌دانم که حتماً به یک پاسخ خوب می‌رسیم. ما شوق داریم که نشان دهیم چه چیزهایی می‌دانیم، لذا تک‌تکمان آماده‌ی ارائه گزارش کار گروه هستیم».

اگر روش یادگیری مشارکتی به‌درستی استفاده شود، نتایج بسیار خوبی به دنبال خواهد داشت. تحقیقات نشان داده است که اگر معلمان این پنج راهبرد را در یادگیری مشارکتی به کار برند، دانش‌آموزان بهتر درس را یاد می‌گیرند، بیشتر احساس موفقیت می‌کنند، به مدرسه علاقه بیشتری پیدا می‌کنند و به یکدیگر و به نظرات هم بیشتر احترام می‌گذارند (Rosenthal, 2008; Slavin, 2013; Webb, 2008). رسیدن به چنین نتایجی، ارزش امتحان کردن این روش را دارد.

* بی‌نوشته

1. cooperative learning
2. Free rider
3. Know- it- all
4. Random reporter
5. Active Listening
6. Metacognition
7. evidentiary thinking

* منبع

1. Slavin, Robert E. (2014). Making cooperative Learning powerful. Educational Leadership Magazine. V 72. No 2. P 22-26.
2. Gillies, R. (2014). Cooperative learning: Developments in research. International Journal of Educational Psychology, 3(2), 125-140.
3. Roseth, C. J., Johnson, D. W., & Johnson, R. T. (2008). Promoting early adolescents' achievement and peer relationships: The effects of cooperative, competitive, and individualistic goal structures. Psychological Bulletin, 134(2), 223-269.
4. Slavin, R. E. (1995). Cooperative learning: Theory, research, and practice (2nd ed.). Boston: Allyn and Bacon.
5. Slavin, R. E. (2013). Classroom applications of cooperative learning. In S. Graham (Ed.), APA handbook of educational psychology. Washington, DC: American Psychological Association.
6. Webb, N. M. (2008). Learning in small groups. In T. L. Good (Ed.), 21st century education: A reference handbook (pp. 203-211). Los Angeles: Sage.